

خرید کتاب های کنکور

با تخفیف ویژه

و

ارسال رایگان

Medabook.com



مدابوک



یک جله تماس تلفنی رایگان

با مشاوران رتبه برتر

برای انتخاب بهترین منابع

دبیرستان و کنکور

۰۲۱ ۲۸۴۲۵۲۱۰



ترجمه کلمه به کلمه و روان متن

مِنْ آيَاتِ الْأَخْلَاقِ (از آیه‌های اخلاق)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا	الَّذِينَ	آمَنُوا	لَا يَسْخَرُوا	قَوْمٌ	مِنْ	قَوْمٍ
ای	کسانی که	ایمان آوردند	نباید مسخره کند	قوم	از	قوم

ای کسانی که ایمان آوردید نباید قومی، قومی [دیگر] را مسخره کنند

عَسَىٰ	أَنْ يَكُونُوا	خَيْرًا	مِنْهُمْ	وَ	لَا	نِسَاءٌ	مِنْ	نِسَاءٍ
شاید	که باشند	بهتر	از ایشان	و	نه	زنان	از	زنان

شاید که [آن‌ها] بهتر از خودشان باشند و نه زنانی، زنانی [دیگر] را مسخره کنند.

عَسَىٰ	أَنْ يَكُنَّ	خَيْرًا	مِنْهُنَّ	وَ	لَا تَلْمِزُوا	أَنْفُسَكُمْ
شاید	که باشند	بهتر	از ایشان	و	عیب نگیرید	خودتان

شاید که [آن‌ها] بهتر از خودشان باشند و از خودتان عیب نگیرید

وَ لَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ	بِئْسَ	الِاسْمُ	الْقُسُوفُ	بَعْدَ	الْإِيمَانِ
و به یکدیگر لقب‌های زشت ندهید	[چه] بد است	نام	آلوده شدن به گناه	بعد	ایمان

و به یکدیگر لقب‌های زشت ندهید پس از ایمان [به خدا] نام آلوده شدن به گناه [چه] بد است (چه نام بدی است آلوده شدن به گناه بعد از ایمان)

وَ	مَنْ	لَمْ يَتُبْ	فَأُولَٰئِكَ	هُمْ	الظَّالِمُونَ*	يَا أَيُّهَا	الَّذِينَ	آمَنُوا
و	هر کس	توبه نکرد	پس آنان	همان	ستمکاران	ای	کسانی که	ایمان آوردند

و هر کس توبه نکند پس آنان همان ستمکاران هستند، ای کسانی که ایمان آوردید

اجْتَنِبُوا	كَثِيرًا	مِنْ	الظَّنِّ	إِنَّ	بَعْضُ	الظَّنِّ	إِثْمٌ
بپرهیزید، دوری کنید	بسیار	از	گمان	به راستی	برخی	گمان	گناه

از بسیاری از گمان [ها] بپرهیزید به راستی برخی گمان [ها] گناه هستند.

وَ	لَا تَجَسَّسُوا	وَ	لَا يَغْتَابُ	بَعْضُكُمْ	بَعْضًا
و	جاسوسی نکنید	و	نباید غیبت کند	برخی از شما	برخی

و جاسوسی نکنید و نباید از یکدیگر غیبت کنید (نباید برخی از شما برخی [دیگر] را غیبت کنند).

أَ	يُحِبُّ	أَحَدُكُمْ	أَنْ يَأْكُلَ	لَحْمَ	أَخِيهِ	مَيْتًا
آیا	دوست دارد	یکی از شما	که بخورد	گوشت	برادرش	مرده

آیا یکی از شما (کسی از شما) دوست دارد که گوشت برادرش را در حالی که مرده است، بخورد؟

فَكَرِهْتُمُوهُ	وَ	اتَّقُوا	اللَّهَ	إِنَّ	اللَّهَ	تَوَّابٌ ^۲	رَحِيمٌ ^۳
پس آن را ناپسند داشتید	و	پروا کنید	خدا	به راستی	خدا	بسیار توبه‌پذیر	مهربان

پس آن را ناپسند داشتید و از خدا پروا کنید به راستی خداوند بسیار توبه‌پذیر مهربان است.

قَدْ	يَكُونُ	بَيْنَ	النَّاسِ	مَنْ	هُوَ	أَحْسَنُ ^۴	مِنَّا،
گاهی	می‌باشد	میان	مردم	کسی که	او	بهتر، بهترین	از ما

گاهی میان مردم کسی هست که او بهتر از ماست،

فَعَلَيْنَا	أَنْ نَبْعِدَ	عَنِ	الْعُجْبِ	وَ	أَنْ لَا نَذْكُرَ	غُيُوبَ	الْآخِرِينَ	بِكَلَامٍ	خَفِيِّ	أَوْ	بِإِشَارَةٍ.
پس ما باید، برماست	که دوری کنیم	از	خودپسندی	و	یاد نکنیم	عیب‌ها	دیگران	به سخن	پنهان	یا	با اشاره

پس ما باید (بر ما لازم است) از خودپسندی دوری کنیم و عیب‌های دیگران را با سخنی پنهان یا با اشاره‌ای یاد نکنیم.

۱. «خَيْر» اسم تفضیل است.

۲. جمله شرطیه است و جمله «فَأُولَٰئِكَ ...» جواب شرط است.

۳. «تَوَّابٌ» اسم مبالغه است.

۴. «أَحْسَنُ» اسم تفضیل است.

فَقَدْ قَالَ	أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ	«أَكْبَرُ»	الْعَيْبُ	أَنْ تَعِيبَ	ما	فِيكَ	مِثْلُهُ.
پس گفته است	امیرمؤمنان علی علیه السلام	بزرگ‌ترین	عیب	که عیب‌دار کنی	آن چه	در تو	مانند آن

پس امیرمؤمنان علی علیه السلام گفته (فرموده) است: «بزرگ‌ترین عیب [آن است] که آن چه مانند آن در توست را عیب‌دار کنی.»

تَنْصَحُنَا	الْآيَةُ	الْأُولَى ^۱	وَ	تَقُولُ:	لَا تَعِيبُوا	الْآخِرِينَ ^۲
ما را پند می‌دهد	آیه	اول	و	می‌گوید	عیب‌جویی نکنید	دیگران

آیه اول ما را پند می‌دهد و می‌گوید: از دیگران عیب‌جویی نکنید

وَ لَا تَلْقَبُوهُمْ	بِالْقَابِ	يَكْرَهُونَهَا.	بِشَى	الْعَمَلُ	الْفُسُوقُ!
و آنان را لقب ندهید	با لقب‌ها	آن را ناپسند می‌دارند	[چه] بد است	کار	آلوده شدن به گناه

و آنان را با لقب‌هایی که آن‌ها را ناپسند می‌دارند، لقب ندهید. آلوده شدن به گناه [چه] بد کاری است!

وَ مَنْ ^۴	يَفْعَلُ	ذَلِكَ	فَهُوَ	مِنْ	الظَّالِمِينَ.
و هر کس	انجام می‌دهد	آن	پس او	از	ستمکاران

و هر کس آن را انجام دهد پس او از ستمکاران است.

إِذَنْ	فَقَدْ حَرَّمَ	اللَّهُ	تَعَالَى	فِي	هَاتَيْنِ	الْآيَتَيْنِ:
بنابراین	پس حرام کرده است	خدا	بلندمرتبه	در	این دو	دو آیه

بنابراین خدای بلندمرتبه در این دو آیه [آن‌را] حرام کرده است:

– الِاسْتِهْزَاءُ بِـ ^۵	الْآخِرِينَ،	وَ	تَسْمِيَتُهُمْ	بِالْأَسْمَاءِ	الْقَبِيحَةِ.
ریشخند کردن	دیگران	و	نامیدن آنان	به نام‌ها	زشت

– ریشخند کردن دیگران و نام دادن (نامیدن) آنان با نام‌های زشت

– سَوْءُ الظَّنِّ،	وَ	هُوَ	اتِّهَامٌ	شَخْصٍ	لِشَخْصٍ	آخَرٍ	بِدُونِ	دَلِيلٍ	مَنْطِقِيٍّ.
بدگمانی	و	آن	تهمت‌زدن	شخص	به شخص	دیگر	بدون	دلیل	منطقی

– بدگمانی و آن تهمت زدن یک شخص (شخصی) به شخصی دیگر بدون علّتی منطقی است.

– التَّجَسُّسُ،	وَ	هُوَ	مُحَاوَلَةٌ	قَبِيحَةٌ	لِكَشْفِ	أَسْرَارِ	النَّاسِ
جاسوسی کردن	و	آن	تلاش	زشت	برای کشف	رازها	مردم

– جاسوسی کردن و آن تلاشی زشت برای کشف رازهای مردم است

لِفُضْحِهِمْ	وَ	هُوَ	مِنْ	كِبَائِرِ الذُّنُوبِ	فِي	مَكْتَبِنَا	وَ	مِنْ	الْأَخْلَاقِ	السَّيِّئَةِ.
برای رسوا کردن آنان	و	آن	از	گناهان بزرگ	در	مکتب ما	و	از	اخلاق‌ها	زشت

برای رسوا کردن آنان و آن از بزرگ‌ترین گناهان در مکتب ما و از اخلاق‌های زشت است.

– وَ	الْغَيْبَةِ،	وَ	هِيَ	مِنْ	أَهَمِّ	أَسْبَابِ	قَطْعِ	التَّوَاصُلِ	بَيْنَ	النَّاسِ.
و	غیبت	و	آن	از	مهم‌ترین	علّت‌ها	بریدن	ارتباط	میان	مردم

– و غیبت و آن از مهم‌ترین علّت‌های قطع ارتباط میان مردم است.

سَمَّى	بَعْضُ	الْمُفَسِّرِينَ	سُورَةَ	الْحَجَرَاتِ	الَّتِي	جَاءَتْ	فِيهَا	هَاتَانِ	الْآيَتَانِ	بِسُورَةِ	الْأَخْلَاقِ.
نامید	برخی	مفسران	سوره	حجرات	که	آمد	در آن	این دو	دو آیه	به سوره	اخلاق

برخی از مفسران سوره حجرات را که در آن، این دو آیه آمده است، سوره اخلاق نامیدند.

۱. «أَكْبَرُ» اسم تفضیل است.

۲. «الْأُولَى» اسم تفضیل مؤنث بر وزن «فَعْلَى» است.

۳. «الْآخِرِينَ» مفرد «الْآخِر» در اصل به‌صورت «الْآخِر» بر وزن «أَفْعَل» است و اسم تفضیل می‌باشد.

۴. این جمله، جمله شرطیه است. جمله «فَهُوَ...» جواب شرط است.

۵. «الِاسْتِهْزَاءُ» با حرف اضافه «بِ» می‌آید.

۶. «أَهَمُّ» در اصل «أَهْمَم» است که بر وزن «أَفْعَل» و اسم تفضیل است.

واژگان

عُذِبَ: خود پسندی عَسَى: شاید = رُبَمَا عَذَّبَ: عذاب داد (مضارع: يُعَذِّبُ / امر: عَذَّبْ / مصدر: تَعَذِّبُ) عَلَبَتْ: چیره شد فُسِقَ: آلوده شدن به گناه فَضَحَ: رسوا کردن قَدْ: گاهی، شاید (بر سر فعل مضارع می آید). «قَدْ يَكُونُ: گاهی می باشد» (بر سر فعل ماضی برای نزدیک ساختن زمان فعل به حال و معادل ماضی نقلی است. كَبَّرَ: گناهان بزرگ «مفرد: كَبِيرَة» كَرِهَ: ناپسند داشت (مضارع: يَكْرَهُ / امر: اكْرَهُ / مصدر: كَرَاهَة) لَحِمَ: گوشت «جمع: لُحُوم» لَقَّبَ: لقب داد (مضارع: يُلقِّبُ / امر: لَقِّبْ) لَمَزَ: عیب گرفت (مضارع: يَلْمِزُ) مَتَجَرَّ: مغازه مَيِّتَ: مُرَد «جمع: أَمْوات، مَوْتَى» ≠ حَيَّ مُهَنْدِي: هدایت شده مِيزان: ترازو «جمع: موازين» نَوْعِيَّة: نوع، جنس	تَوَاضَل: ارتباط (ماضی: تَوَاضَلَ / مضارع: يَتَوَاضَلُ) تَمَّمَ: کامل کرد (مضارع: يَتَمَّمُ / امر: تَمَّمْ / مصدر: تَتَمِّمُ) جَادَلَ: گفت و گو کرد، ستیز کرد (مضارع: يُجادِلُ / امر: جَادِلْ / مصدر: مُجادَلَة) حَرَّمَ: حرام کرد (مضارع: يُحرِّمُ / امر: حرِّمْ / مصدر: تحريم) حَسَّنَ: نیکو گردانید (مضارع: يُحسِّنُ / امر: حسِّنْ / مصدر: تحسين) حَيَّ: بشتاب خَفَّضَ: تخفیف داد (مضارع: يُخفِّضُ / امر: خفِّضْ / مصدر: تخفيض) خَفِيَ: پنهان ≠ ظاهر زَمِيل: همکار سَاءَ: بد شد (مضارع: يَسُوءُ) سَخَّرَ مِنْ: مسخره کرد (مضارع: يُسَخِّرُ / مصدر: سُخْرِيَة) «لا يَسَخِّرُ: نباید مسخره کند» سَعَرَ: قیمت «جمع أَسعار» صَلَّ: گمراه شد (مضارع: يَصِلُ) عَابَ: عیب جویی کرد، عیب دار کرد (مضارع: يَعيبُ / مصدر: عَيْب)	إِتَّقَى: پروا کرد (مضارع: يَتَّقِي) «اتَّقُوا اللَّهَ: از خدا پروا کنید» إِثْمَ: گناه = ذَنْب إِسْتَهْزَأَ: ریشخند کردن (ماضی: اسْتَهْزَأَ / مضارع: يَسْتَهْزِئُ) أَدْعَ: فرا بخوان إِغْتَابَ: غیبت کرد (مضارع: يَغْتَابُ) «لا يَغْتَابُ: نباید غیبت کند» أَنْ يَكُنَّ: که باشند (كانَ، يَكُونُ) أَنْ يَكُونَا: که باشند (كانَ، يَكُونُ) أَهْدَى: هدیه کرد بَغَضَ ... بَغْضٍ: یکدیگر بُشِيَ: بد است تَابَ: توبه کرد (مضارع: يَتُوبُ) «لَمْ يَتُبْ: توبه نکرد» تَجَسَّسَ: جاسوسی کرد (مضارع: يَتَجَسَّسُ / امر: تَجَسَّسْ / مصدر: تَجَسُّس) تَسْمِيَة: نام دادن، نامیدن (ماضی: سَمَّى / مضارع: يَسْمِي) تَخْفِيزَ: تخفیف دادن (در داد و ستد) تَنابَزَ بِالْألقابِ: به یکدیگر لقب های زشت دادن (ماضی: تَنابَزَ / مضارع: يَتَنابَزُ / مصدر: تَنابُز) تَوَابَ: بسیار توبه پذیر، بسیار توبه کننده
--	---	---

عَمَل = فِعْل کار	رَحِيم = حَنُون مهربان	إِثْم = ذَنْب = خَطِيئَة گناه	خَيْر = أَفْضَل، أَحْسَن بهتر، بهترین	يَا = أَهْيَا ای
تَوَاضَل = إِرْتِبَاط ارتباط	مُحاوَلَة = إِجْتِهَاد = سَعْي تلاش	قد (+ فعل مضارع) = عَسَى = رُبَمَا شاید	شَخْص = فَرْد فرد، شخص	يَفْعَلُ = يَعْمَلُ انجام می دهد، کار می کند
إِسْتَهْزَأَ بِ = سَخَّرَ مِنْ ریشخند کرد، مسخره کرد	كَبائر = الذُّنُوب الكَبيرة گناهان بزرگ	جَعَلَ = وَضَعَ قرار داد	سَبِيل = طَرِيق راه	حَسَنُ = جَيِّد خوب
إِجْتِناب = إِبْتِعاد دوری کردن، دور شدن	مَخْفِي = مَسْتور پنهان	تَنابَزَ = لَقَّبَ با لقب [بد] خواند، لقب داد	كَرِه = قَبِيح زشت، ناپسند	عَابَ = لَمَزَ عیب جویی کرد، عیب دار کرد، عیب گرفت



اجْتَنِبُوا ≠ اقْتَرِبُوا	بِپرهیزید ≠ نزدیک شوید	كثير ≠ قليل	بسیار، زیاد ≠ کم	نساء ≠ رجال	زنان ≠ مردان	بَعْدُ ≠ قَبْلُ	پس ≠ پیش	أُولَئِكَ ≠ هَؤُلَاءِ	آنان ≠ اینان
أَحَدٌ ≠ جَمِيعٌ	یکی ≠ همه	أَخٌ ≠ أُخْتُ	برادر ≠ خواهر	مَيِّتٌ ≠ حَيٌّ	مرده ≠ زنده	نَبْتَعِدُ ≠ نَقْتَرِبُ	دور می شویم ≠ نزدیک می شویم	خَفِيَ ≠ ظَاهِرٌ، مُبِينٌ	پنهان ≠ آشکار
قَبِيحَةٌ ≠ جَمِيلَةٌ	زشت ≠ زیبا	قَطَعَ ≠ وَضَلَ	بریدن ≠ پیوند خوردن	يَنْهَى ≠ يَأْمُرُ	نهی می کند ≠ دستور می دهد	أَعْلَى ≠ أَرْحَصُ	گران تر ≠ ارزان تر	أَقَلُّ ≠ أَكْثَرُ	کم تر ≠ بیش تر
كَبِيرٌ ≠ صَغِيرٌ	بزرگ تر ≠ کوچک تر	قَمِيصٌ ≠ فُسْتَانٌ	پیراهن مردانه ≠ پیراهن زنانه	أَكْبَرُ ≠ أَصْغَرُ	بزرگ تر ≠ کوچک تر	قَدِيمٌ ≠ جَدِيدٌ، نَوٌ	قدیم ≠ جدید، نو	غَالِيَةٌ ≠ رَخِيصَةٌ	گران ≠ ارزان
أَبْيَضٌ ≠ أَسْوَدٌ	سفید ≠ سیاه	زَائِدٌ ≠ نَاقِصٌ	به اضافه ≠ منهای	مَشْرِقٌ ≠ مَغْرِبٌ	مشرق ≠ مغرب	أَحَلٌّ ≠ حَرَمٌ	حلال کرد ≠ حرام کرد		
غَافِرٌ: آمرزنده	غَفَّارٌ: بسیار آمرزنده	تَابَ: توبه کرد	إِغْتَابَ: غیبت کرد	ذَهَبَ: رفت	ذَهَبَ: طلا	أَعْلَى: بلندتر، بلندترین	أَعْلَى: گران تر، گران ترین	حَسَنٌ: خوب	أَحْسَنٌ: بهتر
مَطْعَمٌ: رستوران	مَطْبَخٌ: آشپزخانه	مَطْبَعَةٌ: چاپخانه	سَاءَ: بد شد	سَوَاءٌ: بد	سَوَاءٌ: بد	سَاتَرٌ: پوشاننده	سَتَّارٌ: بسیار پوشاننده		
أَنْفُسٌ ← نَفْسٌ	خود	أَلْقَابٌ ← لَقَبٌ	لقب	عُيُوبٌ ← عَيْبٌ	عیب	أَسْمَاءٌ ← إِسْمٌ	نام، اسم	أَسْرَارٌ ← سِرٌّ	راز
كِبَائِرٌ ← كَبِيرَةٌ	بزرگ	ذُنُوبٌ ← ذَنْبٌ	گناه	أَخْلَاقٌ ← خُلُقٌ	اخلاق	أَسْبَابٌ ← سَبَبٌ	علت	لُحُومٌ ← لَحْمٌ	گوشت
أَمْوَاتٌ، مَوْتَى ← مَيِّتٌ	مرده	جِبَالٌ ← جَبَلٌ	کوه	أَفْضَلُ ← أَفْضَلُ	بهتر، برتر	أَحَادِيثٌ ← حَدِيثٌ	حدیث	عِبَادٌ ← عَبْدٌ	بنده
مَلَابِسٌ ← مَلْبَسٌ	لباس	أَسْعَارٌ ← سِعْرٌ	قیمت	فَسَاتِينٌ ← فُسْتَانٌ	لباس	سَرَاوِيلٌ ← سِرْوَالٌ	شلوار	تَمَارِينٌ ← تَمْرِينٌ	تمرین
أَفْعَالٌ ← فِعْلٌ	فعل	تَرَاكِبٌ ← تَرْكِيبٌ	ترکیب	عُيُوبٌ ← عَيْبٌ	نهان	خَطَايَا ← خَطِيئَةٌ	خطا، اشتباه	مَوَازِينٌ ← مِيزَانٌ	ترازو

□ عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ. (درست و غلط را بر حسب متن درس مشخص کن). ✓ ✕

- ✕ ۱- سَمَى بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجُرَاتِ بِعُرُوسِ الْقُرْآنِ. (برخی از مفسران سوره حجرات را عروس قرآن نامیدند).
- ✕ ۲- حَرَّمَ اللَّهُ فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ الْإِسْتِهْزَاءَ وَالْغَيْبَةَ فَقَطُّ. (خدا در این دو آیه، فقط ریشخند کردن و غیبت را حرام کرد).
- ✓ ۳- الْغَيْبَةُ هِيَ أَنْ تَذْكُرَ أَخَاكَ وَ أَخْتَكَ بِمَا يَكْزُهُنِ. (غیبت همان است که برادرت و خواهرت را به آن چه ناپسند می دارند، یاد کنی).
- ✓ ۴- إِنَّ اللَّهَ يَنْهَى النَّاسَ عَنِ السُّخْرِيَّةِ مِنَ الْآخَرِينَ. (همانا خداوند مردم را از مسخره کردن دیگران نهی می کند).
- ✕ ۵- أَلَسَّعِي لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْآخَرِينَ أَمْرٌ جَمِيلٌ. (تلاش برای شناختن رازهای دیگران کاری زیباست).

قواعد

اسم التفضیل و اسم المكان

اسم تفضیل

من از مریم بزرگتر هستم!
دوستم باهوش‌ترین دانش‌آموز کلاس است!
به کلماتی مانند «بزرگ‌تر، باهوش‌ترین، بهتر، خوب‌ترین و ...» در زبان فارسی، «صفت برتر» و «صفت برترین» می‌گوییم.
معادل «صفت برتر» یا «صفت برترین» در زبان عربی، اسم تفضیل است که مفهوم برتری دارد و بر وزن «أَفْعَل» می‌آید.

مثال

کبیر: بزرگ ← اسم تفضیل ← أَكْبَرُ: بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین
حَسَن: خوب ← اسم تفضیل ← أَحْسَن: خوب‌تر، خوب‌ترین
صَغِير: کوچک ← اسم تفضیل ← أَصْغَرُ: کوچک‌تر، کوچک‌ترین
جَمِيل: زیبا ← اسم تفضیل ← أَجْمَلُ: زیباتر، زیباترین
در ترکیبات زیر با اسم تفضیل، دو کلمه مقایسه شده‌اند.

- ۱) آسیا أَكْبَرُ مِنْ أوروپا.
- ۲) آسیا أَكْبَرُ قَارَاتِ الْعَالَمِ.
- ۳) آسیا أَكْبَرُ قَارَةِ فِي الْعَالَمِ.

* چه تفاوتی در ترجمه اسم تفضیل «أكبر» در این سه عبارت می‌بینید؟
اگر دقت کنید، متوجه می‌شوید که در مثال اول، اسم تفضیل «أكبر» به صورت «صفت برتر» ترجمه شده (بزرگ‌تر) و در مثال دوم و سوم به صورت «صفت برترین» (بزرگ‌ترین) ترجمه شده است.

نکته هرگاه پس از اسم تفضیل حرف جرّ «مِنْ» بیاید (أَفْعَلُ مِنْ ...)، در ترجمه معنای «برتر» دارد و از «صفت برتر» استفاده می‌کنیم و هرگاه اسم تفضیل مضاف واقع شود، باید به صورت «صفت برترین» ترجمه شود.

هذا أَكْبَرُ مِنْ ذَاكَ. (این از آن بزرگ‌تر است).
سُورَةُ الْبَقَرَةِ أَكْبَرُ سُورَةٍ فِي الْقُرْآنِ. (سوره بقره بزرگ‌ترین سوره در قرآن است).

تمرین

- ترجم العبارات التالية. (عبارت‌های زیر را ترجمه کن).
- ۱- ایران أَكْبَرُ بِلَدٍ فِي الْمَنْطِقَةِ!
 - ۲- فاطمة أَكْبَرُ مِنْ زميلتها!
 - ۳- آسیا أَجْمَلُ الْقَارَاتِ!
 - ۴- حسين أَحْسَنُ طَالِبٍ فِي الْمَدْرَسَةِ!

پاسخ

- ۱- ایران بزرگ‌ترین کشور در منطقه است! (اسم تفضیل مضاف واقع شده است).
 - ۲- فاطمه از هم‌شاگردی‌اش بزرگ‌تر است! (اسم تفضیل با حرف جرّ «مِنْ» آمده است).
 - ۳- آسیا زیباترین قاره‌هاست! (اسم تفضیل مضاف واقع شده است).
 - ۴- حسین بهترین دانش‌آموز در مدرسه است! (اسم تفضیل مضاف واقع شده است).
- * گاهی اسم تفضیل به این شکل‌ها می‌آید:

أَدَقُّ: دقیق‌تر، دقیق‌ترین	أَحَبُّ: محبوب‌تر، محبوب‌ترین
أَقَلُّ: کم‌تر، کم‌ترین	أَعْلَى: گران‌تر، گران‌ترین
أَشَدُّ: سخت‌تر، سخت‌ترین	أَعْلَى: بلندتر، بلندترین

۱. در اصل به صورت «أَدَقُّ» بر وزن «أَفْعَل» بوده است.

مثال

جَبَلٌ دَمَوْنَدٌ أَعْلَى مِنْ جَبَلٍ دِنَا.

جَبَلٌ دَمَوْنَدٌ أَعْلَى جِبَالِ إِيْرَانِ.

جَبَلٌ دَمَوْنَدٌ أَعْلَى جَبَلٍ فِي إِيْرَانِ.

کوه دماوند بلندتر از کوه دناست.

کوه دماوند بلندترین کوه‌های ایران است.

کوه دماوند بلندترین کوه در ایران است.

نکته

مؤنث اسم تفضیل بر وزن «فَعْلَى» می‌آید.

مثال

فَاطِمَةُ الْكُبْرَى (فاطمه بزرگ‌تر)

«كُبْرَى - صُغْرَى - حُسْنَى ...»

زَيْنَبُ الصُّغْرَى (زینب کوچک‌تر)

نکات

۱) وقتی بخواهیم اسم تفضیل را در حالت مقایسه میان دو اسم مؤنث قرار دهیم، معمولاً از همان وزن «أَفْعَل» استفاده می‌کنیم.

مثال

فاطمَةُ أَكْبَرُ مِنْ زَيْنَب. (فاطمه بزرگ‌تر از زینب است.)

زَمِيلَتِي أَنْجَحَ مِنْ أُخْتِي مَرْيَمَ. (هم‌شاگردی‌ام از خواهرم مریم موفق‌تر است.)

۲) غالباً جمع اسم تفضیل بر وزن «أَفَاعِل» است.

مثال

إِذَا مَلَكَ الْأَرَادِلُ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ. (هرگاه فرومایگان به فرمانروایی برسند، شایستگان هلاک می‌شوند.)

أَرَذِلُ ← أَرَادِلُ أَفْضَلُ ← أَفَاضِلُ

۳) اسم تفضیل می‌تواند به هر یک از ضمائر (هـ، هـما، هـم، ...، نـا) اضافه شود: «أَقْلَكُم، أَحْسَنُهُم، أَشَدُّهَا، ...»

مثال

أَفْضَلُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمُ لِلنَّاسِ. (بهترین مردم سودمندترینشان برای مردم است.)

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (خودت را امتحان کن)

تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ صَنِّعْ خَطًّا تَحْتَ اسْمِ التَّفْضِيلِ. (حدیث‌های زیر را ترجمه کن، سپس یک خط زیر اسم تفضیل بگذار.)

۱- أَعْلَمُ النَّاسِ، مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

اسم تفضیل

داناترین مردم، کسی است که علم مردم را به علم خود افزود (بیفزاید).

محبوب‌ترین بندگان خدا نزد خداوند سودمندترینشان برای بندگان است.

۲- أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

اسم تفضیل

بهترین کارها کسبِ حلال است.

۳- أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ مِنَ الْحَلَالِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

اسم تفضیل

خَيْرٌ وَ شَرٌّ

کلمه «خَيْرٌ» به معنای «خوبی» و کلمه «شَرٌّ» به معنای «بدی» است. این دو کلمه می‌توانند به معنای اسم تفضیل نیز بیایند.

نکته

در چه صورت دو کلمه «خَيْرٌ» و «شَرٌّ» می‌توانند اسم تفضیل باشند:

۱) معمولاً بعد از این دو کلمه حرف جرّ «مِنْ» می‌آید.

ساعتی اندیشیدن بهتر از عبادت هفتاد سال است.

تَفَكَّرْتُ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةٍ سَبْعِينَ سَنَةً. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۲) هرگاه این دو کلمه مضاف واقع شوند.

شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ وَلَا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ

بدترین مردم کسی است که پایبند به امانت نباشد و از خیانت دوری نکند.

خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ

بهترین کارها میانه‌ترین آن‌هاست.

به سوی بهترین کار بشتاب.

حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ

۱. «حَيَّ» معنای فعل امر را می‌دهد.

تمرین

- ترجم کلمه «خیر» في العبارات التالية ثم عین اسم التفضیل. (کلمه «خیر» را در عبارت‌های زیر ترجمه کن سپس اسم تفضیل را مشخص کن.)
- ۱- خیر الأمور أنفعها للناس. ۲- الخیر فی ما وقع. ۳- العدو العاقل خیر من الصديق الجاهل.

پاسخ

- ۱- بهترین - اسم تفضیل ۲- خوبی ۳- بهتر از - اسم تفضیل

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (خودت را امتحان کن)

ترجم العبارات التالية. (عبارت‌های زیر را ترجمه کن.)

- ۱- ﴿... رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾ المؤمنون: ۱۰۹
... پروردگارا، ایمان آوردیم پس ما را بیامرز و به ما رحم کن و تو بهترین رحم‌کنندگان هستی.
- ۲- خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ غُيُوبَكُمْ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
بهترین برادرانتان کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه کرد (کند).
- ۳- ﴿لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾ الْقَدَر: ۳
شب قدر بهتر از هزار ماه است.
- ۴- مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ الْكَلِيِّ
هر کس شهوتش بر عقلش چیره شد (شود) پس او بدتر از چارپایان است.
- ۵- شَرُّ النَّاسِ ذُو أُلُوهٍ مِثْلِي.
بدترین مردم دارای دو رو (منافق) است.

اسم مکان

به تمام کلماتی که بر جا و مکان دلالت می‌کنند، در زبان فارسی اسم‌های مکان می‌گوییم، ولی در زبان عربی به کلمه‌ای اسم مکان گفته می‌شود که بر وزن‌های زیر بیاید:

- مَفْعَل ← مَلْعَب (ورزشگاه) - مَطْعَم (رستوران، غذاخوری) - مَصْنَع (کارخانه) - مَطْبَخ (آشپزخانه) - مَخْزَن (انبار)
مَفْعِل ← مَوْقِف (ایستگاه) - مَنَزِل (خانه) - مَجْلِس (مجلس) - مَحْفِل (انجمن)
مَفْعَلَة ← مَكْتَبَة (کتابخانه) - مَطْبَعَة (چاپخانه) - مَدْرَسَة (مدرسه) - مَحْفَظَة (چمدان، کیف)

* جمع اسم مکان بر وزن «مَفَاعِل» می‌آید:

مثال

- مَلْعَب ← مَلَاعِب (ورزشگاه‌ها) / مَجْلِس ← مَجَالِس (مجلس‌ها) / مَطْعَم ← مَطَاعِم (رستوران‌ها)
مَنَزِل ← مَنَازِل (خانه‌ها) / مَكْتَبَة ← مَكَاتِب (کتابخانه‌ها) / مَصْنَع ← مَصَانِع (کارخانه‌ها) / مَدْرَسَة ← مَدَارِس (مدرسه‌ها)

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (خودت را امتحان کن)

ترجم الآية و العبارة، ثم عین اسم المكان و اسم التفضیل. (آیه و عبارت را ترجمه کن، سپس اسم مکان و اسم تفضیل را مشخص کن.)

- ۱- ﴿... وَ جَادِلْهُمْ بَاتِّبِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ ...﴾ التَّحَل: ۱۲۵
اسم تفضیل اسم مکان

... و با آنان به روشی که آن نیکوتر است گفت‌وگو [ستیز] کن به راستی پروردگارت به کسی که از راهش گمراه شد، آگاه‌تر است.

- ۲- كَانَتْ مَكْتَبَةً «جندی سابور» في خوزستان أكبر مَكْتَبَةٍ فِي الْعَالَمِ الْقَدِيمِ.

اسم مکان اسم تفضیل اسم مکان

کتابخانه جندی‌شاپور در خوزستان بزرگ‌ترین کتابخانه در جهان قدیم است.

مکالمه

جَوَّازُ (في سوقٍ مَشْهَدٍ) گفت وگو (در بازار مشهد)

بَائِعُ الْمَلَابِسِ (فروشنده لباس‌ها)	الزَّائِرَةُ الْعَرَبِيَّةُ (زائر عرب)
عَلَيْكُمْ السَّلَامُ، مَرْحَبًا بِكَ. (سلام بر شما، خوش آمدی.)	سَلَامٌ عَلَيْكُمْ. (سلام بر شما)
سِتُّونَ أَلْفَ تَومَانٍ. (شصت هزار تومان)	كَمْ سِعْرُ هَذَا الْقَمِيصِ الرَّجَالِيِّ؟ (قیمت این پیراهن مردانه چند است؟)
عِنْدَنَا بِشْعَرِ خَمْسِينَ أَلْفَ تَومَانٍ. تَفْضَلِي أَنْظُرِي. (به قیمت پنجاه هزار تومان داریم. بفرما نگاه کن.)	أُرِيدُ أَرْخَصَ مِنْ هَذَا. هَذِهِ الْأَسْعَارُ غَالِيَةٌ. (ارزان‌تر از این می‌خواهم. این قیمت‌ها گران است.)
أَبْيَضُ وَ أَسْوَدُ وَ أَرْزَقُ وَ أَحْمَرُ وَ أَصْفَرُ وَ بَنَفْسَجِي. (سفید و سیاه و آبی و قرمز و زرد و بنفش)	أَيُّ لَوْنٍ عِنْدَكُمْ؟ (چه رنگی دارید؟)
تَبْدَأُ الْأَسْعَارُ مِنْ خَمْسَةِ وَ سَبْعِينَ أَلْفًا إِلَى خَمْسَةِ وَ ثَمَانِينَ أَلْفَ تَومَانٍ. (قیمت‌ها از هفتاد و پنج هزار [تومان] و هشتاد و پنج هزار تومان شروع می‌شود.)	بِكَمْ تَومَانٍ هَذِهِ الْقَسَاتِينُ؟ (این پیراهن‌های زنانه چند تومان است؟)
سَبِّدَتِي، يَخْتَلِفُ السَّعْرُ حَسَبَ النُّوعِيَّاتِ. (خانم، قیمت بر اساس (طبق) جنس‌ها فرق می‌کند.)	الْأَسْعَارُ غَالِيَةٌ! (قیمت‌ها گران است!)
السَّرَوَالُ الرَّجَالِيُّ بِتِسْعِينَ أَلْفَ تَومَانٍ، وَ السَّرَوَالُ النِّسَاءِيُّ بِخَمْسَةِ وَ تِسْعِينَ أَلْفَ تَومَانٍ. (شلوار مردانه نود هزار تومان و شلوار زنانه نود و پنج هزار تومان.)	بِكَمْ تَومَانٍ هَذِهِ السَّرَاوِيلُ؟ (این شلوارها چند تومان است؟)
ذَلِكَ مَتَجَرِّ زَمِيلِي، لَهُ سَرَاوِيلُ أَفْضَلُ. (آن مغازه همکارم است، او شلوارهای بهتری دارد.)	أُرِيدُ سَرَاوِيلَ أَفْضَلَ مِنْ هَذِهِ. (شلوارهایی بهتر از این‌ها می‌خواهم.)
فِي مَتَجَرِّ زَمِيلِهِ... (در مغازه همکارش ...)	
صَارَ الْمَبْلَغُ مِئَتَيْنِ وَ ثَلَاثِينَ أَلْفَ تَومَانٍ. أُعْطِينِي بَعْدَ التَّخْفِيفِ مِئَتَيْنِ وَ عِشْرِينَ أَلْفًا. (قیمت دویست و سی هزار تومان شد. بعد از تخفیف، دویست و بیست هزار [تومان]، به من بده.)	رَجَاءً، أُعْطِنِي سَرَوَالًا مِنْ هَذَا النَّوعِ وَ ... كَمْ صَارَ الْمَبْلَغُ؟ (لطفاً، شلوازی از این نوع (جنس) به من بده و ... قیمت چقدر شد؟)

تمارين کتاب درسی

النَّمْرَيْنِ الْأَوَّلَ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مَعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟ (کدام کلمه از کلمات لغت‌نامه درس با توضیحات زیر تناسب دارد؟)

- ۱- جَعَلَهُ حَرَامًا: (آن را حرام قرار داد.)
 - ۲- الَّذِي لَيْسَ حَيًّا: (کسی که زنده نیست.)
 - ۳- الذُّنُوبُ الْكَبِيرَةُ: (گناهان بزرگ)
 - ۴- الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ: (کسی که توبه را از بندگانش قبول می‌کند.)
 - ۵- تَسْمِيَةُ الْآخَرِينَ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ: (نامیدن دیگران با نام‌های زشت.)
 - ۶- ذَكَرْنَا لَا يَرْضَى بِهِ الْآخَرُونَ فِي غِيَابِهِمْ: (آن چه دیگران در نبودنشان به آن راضی نمی‌شوند را یاد کرد.)
- الْإِسْتِهْزَاءُ (ريشخند کردن)
الْمَيِّتُ (مُرده)
الْكِبَائِرُ (گناهان بزرگ)
التَّوَابُ (بسیار توبه‌پذیر)
تَنَابَزَ بِالْأَلْقَابِ (به یکدیگر لقب‌های زشت دادن)
إِعْتَابَ (غیبت کرد)

الْتَّمَرِینُ الثَّانِی: تَرْجِمْ هَذِهِ الْأَحَادِیثَ النَّبَوِیَّةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ. (این احادیث نبوی را ترجمه کن، سپس [آن چه] خواسته شده از تو را مشخص کن.)

۱- حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّینِ. (الْمُبْتَدَأُ وَالْخَبَرُ)
مبتدا خبر

خوش اخلاقی نیمی از دین است.

۲- مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ. (الْمَفْعُولُ)
مفعول

هر کس اخلاقش بد باشد، خودش را عذاب می دهد.

۳- إِنَّمَا يُعِثُّ لِأَتَمِّ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ. (الْفِعْلُ الْمَاضِي الْمَجْهُولُ وَالْمَفْعُولُ)
فعل ماضی مجهول مفعول

فقط فرستاده شدم (مبعوث شدم) تا صفات برتر اخلاقی را کامل کنم.

۴- اَللّٰهُمَّ كَمَا حَسَنْتَ خَلْقِي، فَحَسِّنْ خُلُقِي. (الْفِعْلُ الْمَاضِي وَفِعْلُ الْأَمْرِ)
فعل ماضی فعل امر

خدایا همان گونه که آفرینش مرا نیکو گردانیدی، پس اخلاق مرا نیکو گردان.

۵- لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ. (اسْمُ التَّفْضِيلِ وَالْجَارُ وَالْمَجْرُورُ)
اسم تفضیل جارومجرور جارومجرور

چیزی سنگین تر از اخلاق نیک در ترازو [ی اعمال] نیست.

الْتَّمَرِینُ الثَّالِثُ: تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ وَالْمَصَادِرَ التَّالِیَةَ. (فعل ها و مصدرهای زیر را ترجمه کن.)

الْمَاضِي	الْمَصَادِرُ	الْأَمْرُ وَالنَّهْيُ	الْمَصَدَرُ
قَدْ أَحْسَنَ: نیکی کرده است	يُحْسِنُ: نیکی می کند	أَحْسِنُ: نیکی کن	إِحْسَان: نیکی کردن
إِقْتَرَبَ: نزدیک شد	يَقْتَرِبُونَ: نزدیک می شوند	لَا تَقْتَرِبُوا: نزدیک نشوید	إِقْتِرَاب: نزدیک شدن
انْكَسَرَ: شکسته شد	سَيَنْكَسِرُ: شکسته خواهد شد	لَا تَنْكَسِرْ: شکسته نشو	انْكَسَار: شکسته شدن
اسْتَعْفَرَ: آمرزش خواست	يَسْتَعْفِرُ: آمرزش می خواهد	اسْتَعْفِرْ: آمرزش بخواه	اسْتِغْفَار: آمرزش خواستن
ما سَافَرْتُ: سفر نکردم	لَا يُسَافِرُ: سفر نمی کند	لَا تُسَافِرْ: سفر نکن	مُسَافَرَة: سفر کردن
تَعَلَّمَ: یاد گرفت	يَتَعَلَّمَانِ: یاد می گیرند	تَعَلَّمْ: یاد بگیر	تَعَلُّم: یاد گرفتن
تَبَادَلْتُمْ: عوض کردید	تَتَبَادَلُونَ: عوض می کنید	لَا تَتَبَادَلُوا: عوض نکنید	تَبَادُل: عوض کردن
قَدْ عَلَّمَ: آموزش داده است	سَوْفَ يَعْلَمُ: آموزش خواهد داد	عَلِّمْ: آموزش بده	تَعْلِيم: آموزش دادن

الْتَّمَرِینُ الرَّابِعُ: اُكْتُبِ الْعَمَلِیَّاتِ الْحِسَابِیَّةَ التَّالِیَةَ كَالْمِثَالِ. (معادلات ریاضی زیر را مانند نمونه بنویس.)

$$۱۰ + ۴ = ۱۴$$

۱- عَشْرَةٌ زَائِدٌ أَرْبَعَةٍ يُسَاوِي أَرْبَعَةَ عَشَرَ.

(ده به اضافه چهار مساوی است با چهارده.)

$$۱۰۰ \div ۲ = ۵۰$$

۲- مِئَةٌ تَقْسِیمٌ عَلَى اثْنَيْنِ يُسَاوِي خَمْسِینَ.

(صد تقسیم بر دو مساوی است با پنجاه.)

$$۸ \times ۳ = ۲۴$$

۳- ثَمَانِیَّةٌ فِی ثَلَاثَةِ یُسَاوِی أَرْبَعَةَ وَ عَشْرَینَ.

(هشت ضرب در سه مساوی است با بیست و چهار.)

$$۷۶ - ۱۱ = ۶۵$$

۴- سِتَّةٌ وَ سَبْعُونَ نَاقِصٌ أَحَدَ عَشَرَ یُسَاوِی خَمْسَةَ وَ سِتِّینَ.

(هفتاد و شش منهای یازده مساوی است با شصت و پنج.)

● **الْتَّمَرِینُ الْخَامِسُ:** عَيْنِ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الْمَلُونَةِ. (نقش کلمات رنگی را مشخص کن.)

۱- «فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» الْفَتْح: ۲۶
مفعول مجرور به حرف جر

۲- «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» الْبَقَرَة: ۲۸۶
فاعل مفعول

۳- السُّكُوتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِضَّةٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
مبتدا خبر

۴- أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
مبتدا مضاف الیه مجرور خبر
به حرف جر

۵- عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَام
مبتدا خبر مجرور به حرف جر
(دشمنی عاقل بهتر از دوستی نادان است.)

● **الْتَّمَرِینُ السَّادِسُ:** تَرْجِمِ التَّرَاكِبَ وَ الْجُمْلَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيْنِ اسْمِ الْفَاعِلِ وَ اسْمِ الْمَفْعُولِ، وَ اسْمِ الْمُبَالِغَةِ، وَ اسْمِ الْمَكَانِ، وَ اسْمِ التَّفْضِيلِ.

(ترکیب‌ها و جمله‌های زیر را ترجمه کن، سپس اسم فاعل و اسم مفعول، و اسم مبالغه، و اسم مکان و اسم تفضیل را مشخص کن.)

۱- «رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ»: الشُّعْرَاءُ: ۲۸
پروردگار مشرق و مغرب

۲- يَا مَنْ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ:
ای کسی که نیکوکاران را دوست دارد.

۳- يَا أَزْهَمَ الزَّاجِمِينَ:
ای رحم‌کننده‌ترین رحم‌کنندگان. (ای مهربان‌ترین مهربانان)

۴- يَا سَاتِرَ كُلِّ مَغْيُوبٍ:
ای پوشاننده هر عیب‌داری.

۵- يَا غَفَّارَ الذُّنُوبِ:
ای بسیار آمرزنده گناهان.

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ (پژوهش علمی)

إِسْتَخْرِجْ خَمْسَةَ أَسْمَاءٍ تَفْضِيلٍ مِنْ دُعَاءِ الْإِفْتِتَاحِ.
(پنج اسم تفضیل از دعای افتتاح استخراج کن.)

سؤالات امتحانی درس

مهارت واژه‌شناسی

الف) تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: (کلماتی که زیرش خط است را ترجمه کن.)

- ۱- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ...»
- ۲- يَسُّنُ الْأِسْمُ الْقُسُوقَ بَعْدَ الْإِيمَانِ.
- ۳- «اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ» /
- ۴- الِاسْتِهْزَاءُ بِالْآخَرِينَ، سُوءُ الظَّنِّ وَ التَّجَسُّسُ مِنَ الْأَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ.
- ۵- الْعَبِيَّةُ هِيَ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ.
- ۶- كَمْ بَعُرَ هَذَا الْقَمِيصُ الرَّجَالِيَّ؟ /
- ۷- أَعْطَيْنِي بَعْدَ التَّخْفِيزِ مِئَتَيْنِ وَ عَشْرِينَ أَلْفًا.
- ۸- مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ.
- ۹- «أُحِبُّ أَحَدَكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا؟» /
- ۱۰- «لَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَ لَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ!» /
- ۱۱- «إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ» /
- ۱۲- لَا تَذْكُرْ عَيُوبَ الْآخَرِينَ بِكَلَامٍ خَفِيٍّ! /
- ۱۳- عَلَيْنَا أَنْ نُبْتَغِدَ عَنِ الْعُجْبِ! /
- ۱۴- لَا تُلْقُوا النَّاسَ بِالْقَابِ يَكْزَهُنَّهَا! /
- ۱۵- الْمُحَاوَلَةُ لِكَشْفِ أَسْرَارِ النَّاسِ لِفَضْحِهِمْ مِنْ كِبَائِرِ الذُّنُوبِ! /
- ۱۶- ذَلِكَ مُتَجَرِّ زَمِيلِي.

ب) اُكْتُبْ فِي الْفَرَاقَاتِ الْمَتْرَادِفِ وَ الْمَتَضَادِّ: (در جاهای خالی مترادف و متضاد را بنویس.)

اجتهاد - ذَنْب - اُسُود - اَكْثَر - غَالِيَة - مُبِين - رُبَّمَا - وَضَل - الذَّنُوبُ الْكَبِيرَة - نَاقِص

۱۷-

زائد ≠ اِثْمٌ = كِبَائِرٌ = اَقْلٌ ≠ مُحَاوَلَة =
رخيصة ≠ عَسَى = اَبْيَضٌ ≠ قَطَعَ ≠ خَفِيَ ≠

ج) عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الَّتِي لَا تَنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْاُخْرَى فِي الْمَعْنَى: (کلمه‌ای که با کلمات دیگر در معنا تناسب ندارد را مشخص کن.)

- | | | | |
|--|--|---|---------------------------------------|
| ☐ ۱۸- ذَنْب | ☐ اِثْمٌ | ☐ خَطِيئَة | ☐ ذَنْب |
| ☐ ۱۹- اَبْيَضٌ | ☐ اَحْسَنُ | ☐ اُسُود | ☐ اَحْمَرُ |
| ☐ ۲۰- سِرْوَال | ☐ قُسْتَان | ☐ قَمِيص | ☐ بُسْتَان |
| ☐ ۲۱- اَلْاِسْتِهْزَاءُ | ☐ اَلتَّجَسُّسُ | ☐ سَوءُ الظَّنِّ | ☐ التَّوَاصُلُ |
| ☐ ۲۲- اَسِيَا | ☐ اُورُوْبَا | ☐ اِمْرِيكَا | ☐ دِنَا |

د) اُكْتُبْ مُفْرَدًا أَوْ جَمْعًا الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةَ: (مفرد یا جمع کلمات زیر را بنویس.)

۲۳-

ألقاب: كَبِيرَة: أَرَاذِلُ: خَطِيئَة:
أفاضل: أخ: لُحُوم: سِغَر:
بِهائم: مَيْت: مِيزَان: مَطْعَم:

مِهَارَتِ تَرْجَمَه بَه فَارَسِي

ه) تَرْجِمِ اَلْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ اِلَى الْفَارَسِيَّةِ: (عبارت‌های زیر را به فارسی ترجمه کن.)

- ۲۴- «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ»
۲۵- «لا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَ لا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الإِيمَانِ»
۲۶- «لا تَجَسَّسُوا وَ لا يَغْتَنِبْ بَعْضُكُم بَعْضًا»
۲۷- عَلَيْنَا أَنْ نَبْتَعدَ عَنِ الْعُجْبِ وَ أَنْ لا نَذْكَرَ غُيُوبَ الْآخَرِينَ بِكَلَامٍ خَفِيٍّ أَوْ بِإِشَارَةٍ.
۲۸- أَيُّهَا الطَّلَابُ، لا تَعِيبُوا الْآخَرِينَ وَ لا تَلْقُبُوهُمْ بِالْقَابِ بِكْرَهُونَهَا.
۲۹- بِئْسَ الْعَمَلُ الْفُسُوقُ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَهُوَ مِنَ الظَّالِمِينَ.
۳۰- التَّجَسُّسُ وَ هُوَ مُحَاوَلَة قَبِيحَة لِكَشْفِ أَسْرَارِ النَّاسِ لِفَضْحِهِمْ.
۳۱- الْغَيْبَة وَ هِيَ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ.
۳۲- إِنَّ اللَّهَ يَنْهَى النَّاسَ عَنِ السَّخَرِيَّةِ مِنَ الْآخَرِينَ.
۳۳- جَبَلُ دِمَاوندِ اَعْلَى جِبَالِ اِيرانِ وَ اَسِيَا اَكْبَرُ قَارَاتِ الْعَالَمِ.
۳۴- اَعْلَمُ النَّاسِ، مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ اِلَى عِلْمِهِ.
۳۵- مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ.
۳۶- اَعْطِنِي سِرْوَالًا مِنْ هَذَا النَّوعِ بَعْدَ التَّخْفِيفِ.
۳۷- «لا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا اِلَّا وُسْعَهَا»
۳۸- حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ.
۳۹- شَرُّ النَّاسِ مَنْ لا يَعْتَقِدُ اَلْاَمَانَةَ وَ لا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ.
۴۰- يَخْتَلِفُ السَّعَرُ حَسَبَ النَّوعِيَّاتِ.
۴۱- عداوة العاقلِ خَيْرٌ مِنْ صداقة الجاهلِ.
۴۲- اللَّهُ هُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ.

و اِنْتَخِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ: (ترجمه صحیح را انتخاب کن.)

- ۴۳- «... وَ جَادِلْهُمْ بِالتِّي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ ...»
- (۱) ... و با آنان به راه و روشی که بهترین است ستیز کرد به راستی که پروردگار به کسی که از راهش گمراه شد آگاه‌تر است. ☐
- (۲) ... و با آنان به روشی که بهتر است ستیز کن همانا پروردگارت به کسی که از راهش گمراه شد آگاه‌تر است. ☐
- ۴۴- اَللّٰهُمَّ كَمَا حَسَنْتَ خَلْقِي، فَحَسِّنْ خُلُقِي.
- (۱) خدایا همان‌طور که آفرینش مرا نیکو گردانیدی، پس اخلاق مرا نیکو گردان. ☐
- (۲) خدایا همان‌گونه که اخلاق مرا نیکو گرداندی، پس آفرینش مرا نیز نیکو گردان. ☐
- ۴۵- أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ.
- (۱) بندگان محبوب خداوند برای بندگانش سودمندتر هستند. ☐
- (۲) محبوب‌ترین بندگان خدا سودمندترینشان برای بندگانش است. ☐
- ۴۶- خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ غُيُوبَكُمْ.
- (۱) کسی که عیب‌هایتان را به شما هدیه می‌کند از بهترین برادران شماست. ☐
- (۲) بهترین برادران شما کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه کرد. ☐
- ۴۷- «... رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ»
- (۱) پروردگارا، ایمان می‌آوریم پس ما را ببخش و به ما رحم کن همانا تو بهترین رحم‌کنندگان هستی. ☐
- (۲) پروردگار ما، ایمان آوردیم پس ما را بیامرز و به ما رحم کن همانا تو بهترین رحم‌کنندگانی. ☐

ز كَمَلِ الْفَرَاقَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارْسِيَّةِ: (جاهای خالی را در ترجمه فارسی کامل کن.)

- ۴۸- لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ.
- چیزی در ترازوی اعمال از نیست.
- ۴۹- إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ.
- فقط تا کرامت‌های اخلاقی را
- ۵۰- شَاهَدْتُ أَحْسَنَ مِنْ هَذَا الْفُسْتَانِ أَيُّ لَوْنٍ عِنْدَكُمْ؟
- از این پیراهن زنانه رنگی؟
- ۵۱- أَرَيْدُ أَرْحَصَ مِنْ هَذَا السَّرْوَالِ. هَذِهِ الْأَسْعَارُ غَالِيَةٌ.
- از این شلوار این

ح تَرْجِمِ التَّرَاكِبَ التَّالِيَةَ: (ترکیب‌های زیر را ترجمه کن.)

- ۵۲- يَا خَيْرَ الزَّاقِينَ:
- ۵۳- يَا دَافِعَ الْبَلَايَا:
- ۵۴- يَا صَانِعَ كُلِّ مَصْنُوعٍ:
- ۵۵- هُوَ شَرُّ النَّاسِ:
- ۵۶- يَا مَنْ يُحِبُّ الصَّالِحِينَ:
- ۵۷- أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ:
- ۵۸- يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ:
- ۵۹- فَاطِمَةُ الْكُبْرَى:

ط تَرْجِمِ إِسْمَ التَّفْضِيلِ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ: (اسم تفضیل را در عبارات‌های زیر ترجمه کن.)

- ۶۰- جَبَلٌ أَوْرَسَتْ أَعْلَى جِبَالِ الْعَالَمِ:
- ۶۱- أَوْرُوبًا أَضْعُرُ مِنْ آسِيَا.
- ۶۲- زَمِيلِي أَحَبُّ الزَّمَلَاءِ فِي الْمَدْرَسَةِ.
- ۶۳- الْعُلَمَاءُ أَفْضَلُ النَّاسِ:
- ۶۴- هُوَ مِنْ خَيْرِ إِخْوَانِي.
- ۶۵- أَذْكَرُ أَكْبَرَ سُورَةٍ فِي الْقُرْآنِ.

مهارت شناخت و کاربرد قواعد

۵ عَيْنِ نَوْعِ الْأَفْعَالِ التَّالِيَةِ ثُمَّ تَرْجُمُهَا: (نوع فعل‌های زیر را مشخص کن، سپس آن‌ها را ترجمه کن.)

۶۶-

إِجْتَنِبُوا: / لا تَسْخَرُ: /
 سَبَّحْتُ: / قَدْ كَرِهْتُمْ: /
 انْقُوا: / لا نَذْكُرُ: /
 تَنْصَحُنَا: / تَتَعَلَّمُونَ: /
 يُعَلِّمَنَ: / كَانَ يَسْتَعْفِرُ: /

۶ ک عَيْنِ مَا طُلِبَ مِنْكَ: (آن چه از تو خواسته شده را بنویس.)

۶۷- ذَلِكَ مَجْرَرٌ زَمِيلِي وَ لَهُ مَلَأَيْسَ أَرْحَصَ. (اسم المكان / اسم التفضيل): /
 ۶۸- «اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ» (اسم المبالغة):
 ۶۹- كتابي في مكتبتنا مِنْ أُنْفَعِ الْكُتُبِ. (اسم المكان / اسم التفضيل): /
 ۷۰- «... وَ جَادِلُهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ...» (اسم التفضيل / فعل الأمر): /
 ۷۱- «فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» (اسم الفاعل):

۷ ل عَيْنِ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: (نقش کلماتی که زیرش خط است را مشخص کن.)

۷۲- حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ. /
 ۷۳- هُوَ ذَكَرَ عُيُوبَ الْآخَرِينَ فِي غِيَابِهِمْ. /
 ۷۴- «لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» /
 ۷۵- السَّعْيُ لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْآخَرِينَ أَمْرٌ قَبِيحٌ. /
 ۷۶- «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» /

۸ م كَمَلِ الْفَرَاقَاتِ فِي الْجَدُولِ: (جاهای خالی را در جدول کامل کن.)

۷۷-

- وَصَلْنَا فِي سَفَرِنَا إِلَى مَطْعَمٍ نَظِيفٍ.
 - الْعِيبَةُ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ. فَاتَّزَكُّهَا.
 - بُعِثَ النَّبِيُّ لِيُتِمَّمَ الْمَكَارِمَ الْأَخْلَاقِيَّةَ.
 - إِجْتَنِبُوا عَنْ مَنَازِلٍ تُذَكِّرُ فِيهَا أَسْمَاءَ الْآخَرِينَ.

الفعل المجهول	فعل الأمر	الصفة	اسم المكان	اسم التفضيل
.....				
.....				

۹ ن اُكْتُبِ الْعَمَلِيَّاتِ الْحِسَابِيَّةَ التَّالِيَةَ: (عملیات ریاضی زیر را بنویس.)

۷۸- عشرونَ زائدَ عَشْرَةٍ يُساوي ثلاثينَ:
 ۷۹- ثلاث و ستونَ ناقصَ ثلاثينَ يُساوي ثلاثةً و ثلاثينَ:
 ۸۰- أربعةً في سبعةٍ يُساوي ثمانيةً و عشرينَ:



مهارت درک و فهم

س) **اِنْتِخِبِ الْكَلِمَةَ الْمُنَاسِبَةَ لِلتَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةِ (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ):** (كَلِمَةُ مُنَاسِبَةٌ لِتَوْضِيحَاتٍ زَائِدَةٍ رَأْسُهَا اِنْتِخَبَ كُنْ. «دو کلمه اضافی است.»)

سوء الظَّنِّ - فُضِّحَ - الْغَيْبَةُ - التَّجَسُّسُ - تَنَازَرُ بِالْأَلْقَابِ - فُسُوقٌ - مَيِّتٌ - اِسْتِهْزَاءٌ

۸۱- تَسْمِيَةُ الْآخَرِينَ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ:

۸۲- السَّعْيُ لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْآخَرِينَ:

۸۳- جَعَلَهُ اللَّهُ حَرَامًا:

۸۴- اتَّهَمَ شَخْصًا لِشَخْصٍ بِدُونِ دَلِيلٍ:

۸۵- الَّذِي لَيْسَ حَيًّا:

۸۶- ذَكَرَ مَا لَا يَرْصَى بِهِ الْآخَرُونَ فِي غِيَابِهِمْ:

ع) **عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَغَيْرَ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ:** (جمله درست و غلط را برحسب حقیقت مشخص کن.)

۸۷- سَمِيَ بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجُرَاتِ بِسُورَةِ الْأَخْلَاقِ:

۸۸- عَلَيْنَا الْاجْتِنَابُ مِنَ الظَّنِّ إِنَّ كُلَّ الظَّنِّ إِثْمٌ:

۸۹- ذَكَرَ عِيُوبَ الْآخَرِينَ بِكَلَامٍ خَفِيِّ أَمْرٍ جَمِيلٍ:

۹۰- سُوءُ الظَّنِّ هُوَ اتِّهَامُ شَخْصٍ لِشَخْصٍ آخَرَ بِدَلِيلٍ مَنْطِقِيٍّ:

۹۱- الْغَيْبَةُ هِيَ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ:

ف) **اقْرَأِ النَّصَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ:** (متن را بخوان سپس به سؤالات پاسخ بده.)

«أَتَاهَا الرُّمَلَاءُ، لَا تَعْبِيُوا الْآخَرِينَ وَ لَا تَلْقَبُوهُمْ بِالْقَابِ قَبِيحَةٍ يَكْرَهُونَهَا. بَنَسَ الْعَمَلُ الْفُسُوقَ وَ مَنْ يَفْعَلْهُ فَهُوَ مِنَ الظَّالِمِينَ. فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى الْاِسْتِهْزَاءَ بِالْآخَرِينَ وَ سُوءَ الظَّنِّ وَ التَّجَسُّسَ وَ الْغَيْبَةَ. لِأَنَّهُ مِنْ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ. قَدْ يَكُونُ بَيْنَ النَّاسِ مَنْ هُوَ أَحْسَنُ مِنَّا فَعَلَيْنَا أَنْ نَبْتَغِدَ عَنِ الْعُجْبِ. أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعْبِيَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ.»

۹۲- مَنْ هُوَ مِنَ الظَّالِمِينَ؟

۹۳- أَذْكَرَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى حَسَبَ النَّصِّ.

۹۴- مَا هِيَ أَسْبَابُ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ؟

۹۵- مَا هُوَ أَكْبَرُ الْعَيْبِ حَسَبَ النَّصِّ؟

۹۶- لِمَاذَا عَلَيْنَا أَنْ نَبْتَغِدَ عَنِ الْعُجْبِ؟

«يُوجَدُ فِي الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ آيَاتٌ فِي الْأَخْلَاقِ. فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى هَذِهِ الذُّنُوبَ، مِنْهَا: الْاِسْتِهْزَاءُ بِالْآخَرِينَ وَ تَسْمِيَتُهُمْ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ وَ سُوءُ الظَّنِّ وَ هُوَ اتِّهَامُ شَخْصٍ لِشَخْصٍ آخَرَ بِدُونِ دَلِيلٍ مَنْطِقِيٍّ وَ التَّجَسُّسُ وَ هُوَ مُحَاوَلَةُ قَبِيحَةٍ لِكَشْفِ أَسْرَارِ النَّاسِ لِفَضْحِهِمْ وَ هُوَ مِنْ كِبَائِرِ الذُّنُوبِ فِي مَكْتَبِنَا وَ مِنَ الْأَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ. الْغَيْبَةُ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ.»

۹۷- أَذْكَرُ الذُّنُوبِ الَّتِي قَدْ حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى حَسَبَ النَّصِّ.

۹۸- عَيِّنْ مَا هُوَ مِنْ كِبَائِرِ الذُّنُوبِ.

۹۹- مَا هِيَ أَهَمُّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ؟

۱۰۰- عَيِّنِ الصَّحِيحَ وَ الْخَطَأَ حَسَبَ النَّصِّ.

☐ (۱) سُوءُ الظَّنِّ هُوَ اتِّهَامُ شَخْصٍ لِشَخْصٍ آخَرَ بِدُونِ دَلِيلٍ مَنْطِقِيٍّ.

☐ (۲) التَّجَسُّسُ ذَنْبٌ لِفَضْحِ النَّاسِ وَ كَشْفِ أَسْرَارِهِمْ.

☐ (۳) لَيْسَ فِي الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ آيَاتٌ فِي الْأَخْلَاقِ.

☐ (۴) الْغَيْبَةُ مِنْ كِبَائِرِ الذُّنُوبِ وَ سَبَبٌ لِقَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ فَقَطْ.

مهارت مکالمه

ص اُجِبْ عَنِ السُّؤَالَاتِ: (به سؤالات پاسخ بده.)

- ۱۰۱- ما اسْمُكَ؟
 ۱۰۲- أَيْنَ اشْتَرَيْتَ هَذَا الْقَمِيصَ الرَّجَالِيَّ؟
 ۱۰۳- هَلْ عِنْدَكَ مَتَجَرٌّ فِي السُّوقِ؟
 ۱۰۴- أَيُّ لَوْنٍ حَوْلَكَ؟
 ۱۰۵- كَمْ سِعْرُ قَمِيصِكَ؟
 ۱۰۶- هَلْ تَأْخُذُ (تَأْخُذِينَ) التَّخْفِيفَ مِنَ الْبَائِعِ؟

ق رَتِّبِ الْكَلِمَاتِ وَ اكْتُبِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ: (کلمات را مرتب کن و جمله ای صحیح را بنویس.)

- ۱۰۷- مِنْ / أُرِيدُ . / هذه / غَالِيَةً / هذا / أَرْخَصَ / الْأَسْعَا / . /
 ۱۰۸- الْمَبْلَغُ / ثَلَاثِينَ / صَارَ / مِئَتَيْنِ / تَوْمان / كَمْ / ؟ / و / . /
 ۱۰۹- لَهُ / . / أَفْضَلُ / مَتَجَرٌّ / ذَلِكَ / زَمِيلِي / ، / سَرَاوِيلُ /

پاسخ سؤالات امتحانی درس

۱۸. گناه ☐ گناه ☐ گناه ☐ گناه ☒ گناه
 ۱۹. سفید ☐ بهتر ☒ سیاه ☐ قرمز ☐
 ۲۰. شلوار ☐ پیراهن زنانه ☐ پیراهن مردانه ☐ باغ ☒
 ۲۱. ریشخند ☐ جاسوسی ☐ بدگمانی ☐ ارتباط ☒
 (همه به جز «التَّوَّاضُّعُ» از گناهان هستند.)
 ۲۲. آسیا ☐ اروپا ☐ آمریکا ☐ دینا ☒
 (همه به جز «دینا» قاره هستند.)
 ۲۳. ألقاب ☐ كِبَايَر ☐ ألقاب ☐ كِبَايَر ☐
 أرذل ☐ أرذل ☐ أرذل ☐ أرذل ☐
 أفاضل ☐ أفاضل ☐ أفاضل ☐ أفاضل ☐
 لحوم ☐ لحوم ☐ لحوم ☐ لحوم ☐
 بهائم ☐ بهائم ☐ بهائم ☐ بهائم ☐
 میزان ☐ میزان ☐ میزان ☐ میزان ☐
 ۲۴. ای کسانی که ایمان آوردید از بسیاری از گمان [ها] بهره‌یزید همانا برخی گمان [ها] گناه هستند.
 ۲۵. از خودتان عیب نگیرید و به یکدیگر لقب‌های زشت ندهید پس از ایمان (به خدا) نام آلوده شدن به گناه چه بد است.
 ۲۶. جاسوسی نکنید و نباید غیبت یکدیگر را کنید. (نبايد برخی از شما غیبت برخی [دیگر] را کنند.)
 ۲۷. باید از خودپسندی دوری کنیم و عیب‌های دیگران را با سخنی پنهان یا با اشاره‌ای یاد نکنیم.
 ۲۸. ای دانش‌آموزان، از دیگران عیب نگیرید و آنان را با لقب‌هایی که آن‌ها را ناپسند می‌دارند، لقب ندهید.
 ۲۹. [چه] بد کاری است آلوده شدن به گناه و هر کس آن را انجام دهد پس او از ستمکاران است.

۱. نباید مسخره کند
 ۲. [چه] بد است - آلوده شدن به گناه
 ۳. بهره‌یزید - گناه
 ۴. ریشخند کردن - جاسوسی کردن
 ۵. مهم‌ترین - ارتباط
 ۶. قیمت - پیراهن مردانه
 ۷. تخفیف - هزار
 ۸. بد شد (بد باشد) - عذاب داد (عذاب می‌دهد)
 ۹. گوشت - مرده
 ۱۰. عیب نگیرید - به یکدیگر لقب‌های زشت ندهید
 ۱۱. بسیار توبه‌پذیر
 ۱۲. پنهان
 ۱۳. خودپسندی
 ۱۴. لقب ندهید - ناپسند می‌دارند
 ۱۵. رسوا کردن - گناهان بزرگ
 ۱۶. مغازه - همکار
 ۱۷. زائد ☐ ناقص ☐ (به‌اضافه ☐ منهای)
 كِبَايَر ☐ الذَّنوبُ الْكَبِيرَةُ ☐ (گناهان بزرگ)
 مُحَاوَلَةٌ ☐ إِجْتِهَاد ☐ (تلاش کردن)
 عَسَى ☐ رُبَّمَا ☐ (شاید)
 قَطَعَ ☐ وَصَلَ ☐ (بریدن ☐ وصل کردن)
 إِثْمٌ ☐ ذَنْبٌ ☐ (گناه)
 أَقَلٌّ ☐ أَكْثَرُ ☐ (کم‌تر ☐ بیش‌تر)
 رَخِيصَةٌ ☐ غَالِيَةٌ ☐ (ارزان ☐ گران)
 أَبْيَضٌ ☐ أَسْوَدُ ☐ (سفید ☐ سیاه)
 خَفِيَ ☐ مُبِينٌ ☐ (پنهان ☐ آشکار)

۹۹. غلط - یاد کردن عیب‌های دیگران با سخنی پنهان کاری زیباست.

۹۰. غلط - بدگمانی همان تهمت زدن شخصی به شخص دیگر با دلیل منطقی است.

۹۱. غلط - غیبت آن از مهم‌ترین علت‌های ارتباط میان مردم است.

ترجمه متن

ای هم‌شاگردی‌ها، از دیگران عیب نگیرید و آنان را با لقب‌هایی زشت که آن‌ها را ناپسند می‌دارند لقب ندهید. آلوده شدن به گناه [چه] بد کاری است و هر کس آن را انجام دهد پس او از ستمکاران است. پس قطعاً خدای بلندمرتبه ریشخند کردن دیگران و بدگمانی و جاسوسی کردن و غیبت کردن را حرام کرده است. زیرا آن‌ها از علت‌های بریدن (قطع) ارتباط میان مردم هستند. گاهی میان مردم کسی است که او از ما بهتر است، پس ما باید از خودپسندی دوری کنیم. بزرگ‌ترین عیب آن است که آن‌چه ماندش در تو هست را عیب بگیری.

۹۲. چه کسی از ستمکاران است؟ مَنْ يَفْعَلُ الْقُسُوقَ. (کسی که آلوده شدن به گناه را انجام می‌دهد).

۹۳. آن‌چه خداوند بلندمرتبه آن‌ها را بر اساس متن حرام کرد را نام ببرید. الاستهزاء بالآخرین و سوء الظن و التجسس و الغيبة. (ریشخند کردن دیگران و بدگمانی و جاسوسی کردن و غیبت)

۹۴. علت‌های بریدن (قطع) ارتباط میان مردم چیست؟ الاستهزاء بالآخرین و سوء الظن و التجسس و الغيبة. (ریشخند کردن دیگران و بدگمانی و جاسوسی کردن و غیبت)

۹۵. بر اساس متن بزرگ‌ترین عیب چیست؟ أكبر العيب أن تعيب ما فيك مثله. (بزرگ‌ترین عیب آن است که آن‌چه مانند آن در تو هست را عیب بگیری.)

۹۶. چرا ما باید از خودپسندی دوری کنیم؟ لأن قد يكون بين الناس من هو أحسن منا. (زیرا گاهی میان مردم کسی است که او از ما بهتر است.)

✳ در قرآن کریم آیه‌هایی در (درباره) اخلاق یافت می‌شود. پس خداوند بلندمرتبه این گناهان را حرام کرده است، از جمله آن‌ها: ریشخند کردن دیگران و نامیدن آن‌ها با نام‌های زشت و بدگمانی و آن تهمت زدن یک شخص به شخص دیگر بدون دلیل منطقی و جاسوسی کردن و آن تلاش زشتی برای کشف رازهای مردم برای رسوا کردن آنان و آن از بزرگ‌ترین گناهان در مکتب ما و از اخلاق‌های زشت است. غیبت از مهم‌ترین علت‌های قطع ارتباط میان مردم است.

۹۷. بر اساس متن گناهانی را که خدای بلندمرتبه حرام کرده است را یاد کن. الاستهزاء بالآخرین، سوء الظن، التجسس و الغيبة (ریشخند کردن دیگران، بدگمانی، جاسوسی کردن و غیبت)

۹۸. آن‌چه که از گناهان بزرگ است را مشخص کن. التجسس (جاسوسی کردن)

۹۹. مهم‌ترین علت‌های قطع ارتباط میان مردم چیست؟ الغيبة (غیبت)

۱۰۰. درست و غلط را بر حسب متن مشخص کن.

(۱) بدگمانی آن تهمت زدن شخصی به شخص دیگر بدون دلیل منطقی

است. ✓

(۲) جاسوسی کردن گناهی برای رسوا کردن مردم و کشف رازهای آنان است. ✓

(۳) در قرآن حکیم آیه‌هایی در (درباره) اخلاق نیست. ✗

(۴) غیبت از بزرگ‌ترین گناهان است و فقط علتی برای قطع ارتباط میان

مردم است. ✗ (واژه «فقط» این گزینه را غلط کرده است.)

۱۰۱. اسمت چیست؟ اسمي محمد (اسمي فاطمة) (اسم من محمد است. اسم

من فاطمه است.)

۱۰۲. این پیراهن مردانه را از کجا خریدی؟ مِنَ السُّوقِ، مِنَ الْمَتَجَرِّ (از مغازه)

۱۰۳. آیا مغازه‌ای در بازار داری؟ نعم، عندي متجر (بله، مغازه‌ای دارم.)

۱۰۴. کدام رنگ اطرافت هست؟ أحمر - أسود - أزرق - أبيض - أخضر -

بنفسجي (قرمز - سیاه - آبی - سفید - سبز - بنفش)

۱۰۵. قیمت پیراهنت چند است؟ ثلاثة و ثلاثون ألفاً (سی و سه هزار)

۱۰۶. آیا از فروشنده تخفیف می‌گیری؟ نعم، لا (بله، خیر)

۱۰۷. اريد أخص من هذا. هذه الأسعار غالية.

۱۰۸. كم صار المبلغ؟ مئتين و ثلاثين تومان.

۱۰۹. ذلك متجر زميلي، له سراويل أفضل.